Original Article Open Access

Health Law Journal

2024; 2: e5

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

The Position of International Health Law in Disasters with an Emphasis on the Optimal Standards of Territorial Governance

Mahsa Khajeh[1], Masoud Raei Dehaghi[1*], Ali Reza Ansari Mahyari[1]

1. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In the aftermath of disasters that have severe detrimental effects on human health and the environment, the strategies for disaster response and the role of government in safeguarding the right to health become critical issues. It is the responsibility of every government to exert all possible efforts to prevent harm and mitigate risks associated with disasters. This objective can only be achieved through the implementation of appropriate measures by the affected state, as well as by other stakeholders and assisting nations. This concern is also highlighted in the 2016 draft by the International Law Commission regarding the protection of persons in the event of disasters. Consequently, for a state to perform effectively in times of disaster, it must adhere to a set of principles and regulations that protect the rights of affected individuals, particularly the right to health. This paper will employ an analytical-descriptive approach to elucidate how the right to health of affected individuals can be supported through indicators of good governance. The findings of this research suggest that the obligation for cooperation among countries during crises, as a criterion of good governance, can serve as a viable solution for disaster management and the enhancement of human rights, especially the right to health for those impacted.

Methods: This article is composed using a descriptive-analytical approach. The data collection method employed is library-based, involving the examination of documents, books and articles.

Ethical Considerations: In the present study, the ethical aspects of library research have been addressed, encompassing the authenticity of texts, integrity and the principles of trustworthiness.

Results: The findings of this research indicate that the obligation for cooperation among states during times of crisis, as recognized by the commission, serves as a criterion for effective governance. This obligation can be viewed as a potential solution for addressing disasters and ensuring the protection of human rights, particularly the right to health for affected individuals.

Conclusion: The responsibilities of states before, during and after the occurrence of disasters encompass a range of actions aimed at preventing, halting and compensating for both domestic and transnational damages. These obligations are interconnected commitments of a state, which, when executed effectively and in a timely manner, alongside the cooperation of other international legal entities, can lead to the ultimate goal of preserving and protecting human dignity within the framework of good governance.

Keywords: The Right to Health; Optimal Governance; Commitment to Cooperation; Protection of Affected Persons; Disasters

Corresponding Author: Masoud Raei Dehaghi; **Email:** masoudraei@yahoo.com

Received: April 07, 2024; **Accepted:** August 20, 2024; **Published Online:** November 18, 2024

Please cite this article as:

Khajeh M, Raei Dehaghi M, Ansari MahyariAR. The Position of International Health Law in Disasters with an Emphasis on the Optimal Standards of Territorial Governance. Health Law Journal. 2024; 2: e5.

Copyright©2024, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره دوم، ۱۴۰۳

جایگاه حقوق بین‌الملل سلامت در بلایا با تأکید بر استانداردهای مطلوب حاکمیت سرزمینی

مهسا خواجه[۱]، مسعود راعی دهقی[۱*]، علیرضا انصاری مهیاری[۱]

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: به دنبال وقوع بلایا که آثار مخرب شدیدی بر سلامت انسان و محیط زیست دارند، نحوه مقابله با بلایا و نحوه عملکرد دولت در حمایت از حق بر سلامت نیز در چنین زمانی مطرح می‌گردد. هر دولتی موظف است تمام تلاش خود را برای جلوگیری از آسیب و کاهش خطر ناشی از بلایا انجام دهد. چنین امری میسر نخواهد شد مگر با اتخاذ اقدامات مقتضی از جانب دولت متأثر و همچنین سایر بازیگران و کشورهای کمک‌کننده. آن‌گونه که در طرح ۲۰۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد حمایت از اشخاص در زمان وقوع بلایا نیز این مسأله مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین برای اینکه یک دولت عملکرد خوبی در زمان وقوع بلایا داشته باشد، موظف است یکسری از اصول و قواعد را رعایت نماید تا از حقوق اشخاص آسیب‌دیده به ویژه حق بر سلامت حمایت نماید. بنابراین با یک روش تحلیلی ـ توصیفی در مقاله حاظر مشخص خواهد شد که چگونه می‌توان از طریق شاخص‌های حکمرانی مطلوب از حق بر سلامت اشخاص آسیب‌دیده حمایت کرد؟ آنچه از یافته‌های این پژوهش برمی‌آید، این است که از نظر کمیسیون تکلیف به همکاری میان کشورها در زمان بحران به عنوان معیاری از حکمرانی مطلوب، می‌تواند به عنوان راه حلی برای مقابله با بلایا و تضمین هرچه بیشتر حقوق بشر به ویژه حق بر سلامت اشخاص آسیب‌دیده گردد.

روش: این مقاله به روش توصیفی ـ تحلیلی نوشته شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: آنچه از یافته‌های این پژوهش برمی‌آید، این است که از نظر کمیسیون تکلیف به همکاری میان کشورها در زمان بحران به عنوان معیاری از حکمرانی مطلوب، می‌تواند به عنوان راه حلی برای مقابله با بلایا و تضمین هرچه بیشتر حقوق بشر به ویژه حق بر سلامت اشخاص آسیب‌دیده گردد.

نتیجه‌گیری: اینکه یک دولت قبل، حین و بعد از وقوع بلایا باید چه اقدام‌هایی انجام دهد تا از آسیب‌های داخلی یا فرامرزی جلوگیری، متوقف و جبران کند، از تعهدات به هم پیوسته یک دولت محسوب می‌گردد که در صورت عملکرد خوب و واکنش به موقع دولت متأثر و همکاری سایر تابعان حقوق بین‌الملل، منجر به رسیدن هدف غایی که همان حفظ و حمایت از کرامت ذاتی انسان است، در قالب حکمرانی مطلوب اتفاق خواهد افتاد.

واژگان کلیدی: حق بر سلامت؛ حکمرانی مطلوب؛ تعهد به همکاری؛ حمایت از اشخاص آسیب‌دیده؛ بلایا

نویسنده مسئول: مسعود راعی دهقی؛ **پست الکترونیک:** masoudraei@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۰۵/۳۰؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۰۸/۲۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Khajeh M, Raei Dehaghi M, Ansari Mahyari AR. The Position of International Health Law in Disasters with an Emphasis on the Optimal Standards of Territorial Governance. Health Law Journal. 2024; 2: e5.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مقدمه

ویرانی‌های ناشی از بلایای طبیعی و دست‌ساز بشر تاکنون خسارات جانی و مالی فراوانی بر انسان و محیط زیست گذاشته است. زلزله، سیل، طوفان، سونامی و بیماری‌های همه‌گیر نمونه‌هایی از فجایع طبیعی و دست‌ساز بشر محسوب می‌شوند که هم تهدیدی برای سیستم‌های بهداشتی هستند و هم فروپاشی اقتصادی در سراسر جهان را به دنبال دارند. بنابراین یک دولت یا یک گروه خاص به تنهایی نمی‌توانند در برابر این‌گونه بلایا بایستند و با آن مقابله کنند، خصوصاً اگر فراتر از مرزها رفته و نیاز به یک واکنش جهانی داشته باشد. به همین ترتیب، قوانین و اسناد متعدد بین‌المللی به طور مستقیم و غیر مستقیم به پیشگیری و پاسخ به بلایا اشاره می‌کنند و برخی از آن‌ها خواستار اقدام منسجم در سطح بین‌المللی برای رفع آثار مخرب بلایا هستند. به همین دلیل کمیسیون حقوق بین‌الملل با در دستور کار قراردادن حمایت از اشخاص در زمان وقوع بلایا، از سال ۲۰۰۸ به دنبال وقوع طوفان نرگس در برمه (میانمار)، آغاز به کار کرد. در نهایت کمیسیون مزبور در سال ۲۰۱۶، پیش‌نویس متن معاهده‌ای را در همین موضوع آماده و تصویب کرد و به مجمع عمومی ملل متحد فرستاد تا از دولت‌ها در زمان مناسب برای شرکت در یک کنفرانس دیپلماتیک و تبدیل این پیش‌نویس به یک معاهده دعوت به عمل آورد. بنابراین اولین مسأله‌ای که بعد از وقوع چنین فجایعی به ذهن متبادر می‌گردد، بحث عملکرد دولت در حمایت از اشخاص آسیب‌دیده در چنین زمانی است. همچنین نحوه برخورد و همکاری دولت‌ها و بازیگران کمک‌کننده به دولت متأثر نیز از درجه اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در همین راستا طرح مذکور، یک طیف وسیعی از تعهدات به هم پیوسته را در قالب ۱۸ ماده و در زمینه‌های مختلف بیان نموده است. کمیسیون با در نظرگرفتن حاکمیت هر دولت، این تعهدات را به دولت‌ها تحمیل می‌نماید. بنابراین این تعهدات شامل استانداردهایی از رفتار دولت متأثر است که به میزان تلاش آن دولت برای مقابله با برخی از تهدید یا آسیب‌ها بستگی دارد. با توجه به موضوع پژوهش حاضر میان حکمرانی مطلوب و حاکمیت سرزمینی دولت‌ها، پلی به نام اقدامات مقتضی است. در واقع حتی امنیت ملی دولت‌ها که از عناصر مهم حاکمیت یک دولت محسوب می‌شود، ایجاب می‌کند که با دولت‌های دیگر در این زمینه همکاری کند، چه بسا که امنیت بین‌المللی و منافع بین‌المللی به مراتب فراتر و مهم‌تر از منافع یک کشور یا یک جامعه خاص است. به عبارت بهتر، حکمرانی مطلوب، با در نظرگرفتن استانداردها و شاخص‌ها مشخص خواهد کرد آنچه را که به طور منطقی از آن دولت انتظار می‌رفت را هنگام مواجهه با آسیب یا خطر ناشی از بلایا انجام داده است یا نه؟. برای پاسخ به مسأله مذکور لازم است ابتدا به ارتباط میان حاکمیت سرزمینی و امنیت ملی دولت‌ها با وقوع بلایا مشخص شد، سپس واژه حکمرانی و حکمرانی مطلوب مورد تبیین قرار گیرد و در ادامه بحث، ارتباط حاکمیت سرزمینی با اقدامات متناسب در زمان وقوع بلایا با توجه به شاخص‌های حکمرانی مطلوب در قالب مواد پیش‌نویس ۲۰۱۶ حمایت از اشخاص در زمان وقوع بلایا مورد بررسی قرار گیرد. اینکه یک دولت قبل، حین و بعد از وقوع بلایا باید چه اقدام‌هایی انجام دهد تا از آسیب‌های داخلی یا فرامرزی جلوگیری، متوقف و جبران کند؟، از تعهدات به هم پیوسته یک دولت محسوب می‌گردد که در صورت عملکرد خوب و واکنش به موقع دولت متأثر و همکاری سایر تابعان حقوق بین‌الملل، منجر به رسیدن هدف غائی که همان حفظ و حمایت از کرامت ذاتی انسان است در قالب حکمرانی مطلوب اتفاق خواهد افتاد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این تحقیق توصیفی ـ تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بدین‌معنا که محقق ابتدا تلاش خواهد کرد با تأکید و بررسی اسناد و مدارک موجود نوع تحولات را مد نظر قرار داده و با

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

نگاه به همین منابع تلاش می‌کند تا وضع مطلوب در اثبات فرضیه خود را به مرحله ظهور برساند، بدین‌منظور از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده خواهد شد.

یافته‌ها

آنچه از یافته‌های این پژوهش برمی‌آید، این است که از نظر کمیسیون تکلیف به همکاری میان کشورها در زمان بحران به عنوان معیاری از حکمرانی مطلوب، می‌تواند به عنوان راه حلی برای مقابله با بلایا و تضمین هرچه بیشتر حقوق بشر به ویژه حق بر سلامت اشخاص آسیب‌دیده گردد.

۱. حاکمیت سرزمینی و حق بر سلامت در بلایا: با توجه به اینکه هیچ دولتی بدون وجود سرزمین به منصه ظهور نخواهد رسید و به عقیده کرافورد (Crawford) نیز «بدون تردید، دولت‌ها موجودیت‌های سرزمینی هستند» (۱) نشان می‌دهد که چرا حاکمیت سرزمینی برای دولت‌ها واجد اهمیت است. آنقدر اهمیت دارد که از نظر اپنهایم (Oppenheim)، «دولت بدون سرزمین، غیر ممکن است» (۲)، چه‌بسا که بخش عظیمی از قواعد حقوق بین‌الملل به علت اینکه سرزمین جزء عناصر سه‌گانه تشکیل‌دهنده دولت است، به قواعد حاکم بر سرزمین اختصاص یافته است. از طرف دیگر، جهانی‌شدن بیشتر مسائل حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق بشر، موجب از میان‌رفتن فاصله‌ها و مرزهای میان کشورها شده است (۳). از جمله این مسائل، حوادث و رویدادهایی که ممکن است گریبانگیر هر دولتی گردد. همواره بلایای طبیعی و غیر طبیعی دارای پیامدها و دلالت‌هایی برای امنیت ملی هستند، یعنی علاوه بر عناصر غیر نظامی که بر امنیت ملی کشورها تأثیر می‌گذارد، عواملی مانند مسائل اقتصادی، سیاسی، سلامت، زیست‌محیطی و طبیعت نیز از فاکتورهای اصلی امنیت ملی است. بنابراین چنین مواردی که در زمره امنیت اجتماعی ـ سیاسی درون یک سرزمین محسوب می‌شوند، ممکن است حتی بیشتر از تهدیدات نظامی امنیت گروه‌ها، مردم و حکومت را به خطر بیندازد. رابطه میان بلایای طبیعی و امنیت ملی از جمله عناصر تهدیدکننده امنیت ملی است. تا آنجا که، رییس‌جمهور وقت اندونزی، در سال ۲۰۱۲ بلایای طبیعی در اشکال مختلف را بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت ملی کشور خود مطرح می‌کند و به همین دلیل کاهش بلایای طبیعی را اولویت ملی خود قرار می‌دهد. همینطور در رابطه با ایالات متحده آمریکا که گستردگی طوفان کاترینا در سال ۲۰۰۵ را فقط با حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قابل مقایسه می‌داند. از همین رو، راهبرد موسوم به امنیت ملی را بعد از این طوفان به یک راهبرد کلی تبدیل کرد تا علاوه بر حملات تروریستی، شامل همه نوع مخاطرات تهدیدکننده سرزمین و مردم آمریکا از جمله بلایای طبیعی هم شود، چراکه بلایا و به خطرافتادن سلامت اشخاص آسیب‌دیده از بلایا می‌تواند امنیت ملی دولت متأثر را به خطر بیندازد، بنابراین لازم است دولت متأثر به این مسأله توجه ویژه‌ای داشته باشد. علاوه بر این، فجایع طبیعی در کمترین زمان می‌توانند آثار ویرانگری بر افراد، اقامتگاه آن‌ها و همچنین آثار روحی و روانی شدیدی را به همراه داشته باشد. علاوه بر ویرانی زیرساخت‌ها و مختل‌کردن اقتصاد آن کشور، اگر این فاجعه اثر فرامرزی داشته باشد، ممکن است کشورهای دیگر را نیز درگیر نماید. به این صورت که، سطح گسترده‌ای از مناطق کشور و کشورهای دیگر را درگیر کند و همچنین بخش قابل توجهی از امکانات را به خود اختصاص دهد، به گونه‌ای که امکانات دولت متأثر کافی نباشد. از طرف دیگر، از آنجایی که این نوع بلایا تهدیدات امنیتی مانند حملات تروریستی، تهاجم خارجی و آشوب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد، در این صورت ممکن است دولت متأثر از دریافت کمک‌های خارجی سرباز زند (۴)، هرچند این موضوع با اصل حاکمیت سرزمینی‌بودن منطبق است، اما نباید از این نکته غافل شد که در جهان کنونی که با پدیده جهانی‌شدن حقوق بشر مواجه هستیم، دولت متأثر به تنهایی نمی‌تواند از چنین بلایایی جلوگیری کند. به ویژه که شرایط بحرانی در زمان وقوع بلایا، آزمون بزرگ کارآمدی حکومت‌هاست. اینکه در زمان وقوع بلایا، فشار سیاسی و اجتماعی بر دولت متأثر آنچنان زیاد است تا در نهایت کاری کند، وگرنه این بحران تبدیل به یک بحران انسانی خواهد شد که با بازخورد رسانه‌ای

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

همراه خواهد بود. یکی از کارهایی که دولت مذکور می‌تواند انجام دهد، آن است که با در نظرگرفتن حاکمیت سرزمینی خود، با دولت‌ها و سایر بازیگران کمک‌رسان همکاری کند و در واقع اجازه کمک‌رسانی به آن‌ها دهد. چنین امری میسر نخواهد شد مگر با اتخاذ اقدامات مناسب. همچنین رعایت حق بر سلامت و حمایت از آن به ویژه در زمانی که اشخاص درگیر بلایا شدند از اقدامات مهم و متناسبی است که دولت متأثر از بلایا باید اتخاذ نماید. این اقدامات مناسب همراه با رعایت یکسری از اصول و قواعد است که به آن حکمرانی مطلوب گفته می‌شود که در ادامه مشخص می‌شود از طریق حکمرانی مطلوب چگونه می‌توان از وقوع بلایا و حق بر سلامت جلوگیری کرد یا آسیب ناشی از بلایا را کاهش داد.

۱-۱. چیستی حکمرانی: حکمرانی در لغت به معنای حکومت، فرمانروایی، راهبری و همچنین در بیشتر فرهنگ لغت‌ها به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌گردد (۵). واژه حکمرانی خوب نیز زمانی مطرح گردید که تاریخ بشر مملؤ از حکومت‌های نامطلوب، فاسد و تمامیت خواه که عرصه را بر جوامع انسانی تنگ کردند، اما به تدریج با به وجودآمدن ایده جهانی‌شدن و همچنین شکل‌گیری مفاهیمی همچون همکاری و همبستگی، دیگر جولانگاهی برای حکومت‌های خود کامه باقی نمانده است (۶). از همین روی، برای اولین‌بار در ادبیات اقتصادی، حکمرانی خوب توسط ویلیام سون (Oliver E. Williamson) در سال ۱۹۷۹ به کار گرفته شد. استفاده از این واژه و کاربرد جهانی آن در حوزه‌های دیگر به گزارش سالانه بانک جهانی از سال ۱۹۸۹ برمی‌گردد. این گزارش نیز حکمرانی خوب را از منظر اقتصادی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد (۵).

بانک جهانی با ارائه شاخص‌های حکمرانی جهانی، حکمرانی را شامل فرآیند و نهادهایی می‌داند که از طریق آن‌ها اقتدار و تصمیمات در یک کشور اعمال می‌گردد. بانک جهانی تحت یک پروژه جهانی برای بیش از ۲۰۰ کشور طی دوره ۱۹۹۶ الی ۲۰۲۰ شاخص‌های مهم حکمرانی را در دسترس قرار می‌دهد که از روز ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۱ این شاخص‌ها بر روی وبسایت بانک جهانی در دسترس قرار گرفت و مسئولیت‌پذیری، ثبات سیاسی، عدم وجود خشونت و تروریسم، کارآمدی دولت، کیفیت نظارت، حاکمیت قانون و کنترل فساد، ۶ بعد حکمرانی محسوب می‌شوند که توسط بانک جهانی ارائه می‌گردد. بر این اساس، دولت‌ها با توجه به ظرفیتشان باید برای تدوین و اجرای مؤثر سیاست‌های صحیح و همچنین احترام به حقوق شهروندان برنامه‌ریزی نمایند. دولت‌ها وظیفه دارند به نهادهای حاکم بر امور اقتصادی و اجتماعی هم نظارت داشته باشند. بانک جهانی با استفاده از داده‌های تحقیقاتی و دیدگاه‌های مربوط به کیفیت حکمرانی شاخص‌های مورد نظر را ارائه می‌دهد. این دیدگاه‌ها که توسط تعداد زیادی از شرکت‌ها، شهروندان و کارشناسان متخصص کشورهای صنعتی و در حال توسعه ارائه می‌گردد، از طریق «حکمرانی در سراسر جهان» در دسترس قرار می‌گیرد (۷). در واقع، از نظر بانک جهانی، هر چقدر یک دولت مسئولیت‌پذیرتر و پاسخگوتر باشد، ثبات سیاسی بیشتری داشته باشد، حاکمیت قانون در آن گسترده‌تر و فساد محدود باشد به حکمرانی خوب نزدیک‌تر خواهد شد و از رشد اقتصادی بالاتری بهره‌مند می‌گردد. بنابراین میزان مرگ و میر در آن کاهش می‌یابد و سرمایه‌گذاری خارجی نیز رو به فزونی می‌رود (۸). برنامه توسعه ملل متحد، حکمرانی را: «اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در اداره امور کشور در تمام سطوح می‌داند»، در این حالت، شهروندان، جامعه مدنی و بخش خصوصی منافعشان را منسجم و مشخص می‌کنند، با وظایفشان آشنا می‌شوند و اختلافات‌شان را حل و فصل می‌کنند (۹). صندوق بین‌المللی پول نیز «حکمرانی» را این‌گونه تعریف می‌کند: «بهبود اداره منابع دولتی، حمایت از توسعه و نگهداری محیط قانونی و اقتصادی با ثبات که فعالیت‌های کارآمد بخش خصوصی را هدایت می‌کند» (۱۰).

در پژوهشی از محققان و کارشناسان حکمرانی خوب، با ارزیابی نظریه‌های دولت حداقلی و دولت حداکثری و در نهایت عدم توفیق این نظریات سبب به وجودآمدن نظریه حکمرانی مطلوب می‌شود. در واقع حکمرانی خوب با توجه به چالش میان حاکمیت دولت و حقوق بشر به وجود آمد و سعی کرد پلی میان این عبارت باشد، اما در تعریفی که از حکمرانی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مطلوب توسط برخی نهادهای بین‌المللی مانند انستیتو حکمرانی اوتاوا (IOG: Institute on Governance in Canada) ارائه می‌شود، حکمرانی مطلوب را اعم از سنت‌ها، نهادها و فرآیندها می‌داند که یک دولت در عین حال که قدرت خود را بر اتباع خود اعمال می‌کند و در زمینه مباحث عمومی هم تصمیماتی را اتخاذ می‌کند، شهروندانش حق مشارکت و اعتراض نیز داشته باشند. بدین عبارت که حکمرانی مطلوب آن‌گونه اعتماد شهروندان را به نهادهای دموکراتیک جلب می‌کند که علاوه بر انسجام اجتماعی، رشد و ثبات اقتصادی نیز فراهم گردد (۱۱). حکمرانی مطلوب از دیدگاه سازمان بین‌المللی یونسکو بدین‌معناست که شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را توسط سازوکارها و نهادها دنبال می‌کنند که حقوق قانونی خود را به اجرا درآورند و تعهداتشان را برآورده سازند (۱۲).

از دیگر نهادهای بین‌المللی که در راستای نهادینه‌کردن حکمرانی مطلوب تلاش کرده و دولت‌ها را ملزم کرده که به این موضوع توجه داشته باشند، شورای حقوق بشر است که با تأیید قطعنامه ۲۰۰۰/۶۴ کمیسیون حقوق بشر، بر مسئولیت پذیری، پاسخگویی و مشارکت دولت تأکید می‌نماید. در واقع اصول حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و استانداردهای حکمرانی مطلوب را برای راهنمایی دولت و دیگر بازیگران سیاسی و اجتماعی فراهم می‌کند. در مقابل، حقوق بشر بدون حکمرانی مطلوب نمی‌تواند به شیوه‌ای پایدار مورد احترام و حمایت قرار گیرد، بدین‌صورت که اجرای حقوق بشر بر محیطی مساعد و توانمند که دارای برنامه، سیاست و حاکمیت قانون است، متکی می‌باشد. این امر میسر نخواهد شد مگر با چهارچوب‌ها و نهادهای قانونی مناسب و همچنین فرآیندهای سیاسی، مدیریتی و اداری که مسئول پاسخگویی به حقوق و نیازهای مردم هستند (۱۳).

۱-۲. حق بر سلامت: یکی از مهم‌ترین حقوقی که می‌توان ارتباط آن با حاکمیت دولت متأثر و حکمرانی مطلوب دولت‌ها را بررسی کرد، حق بر سلامت است که در این ارتباط اساسنامه سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۶، برای نخستین‌بار حق برخورداری از بالاترین استاندارد قابل دستیابی سلامت جسمی و روانی فارغ از نژاد، مذهب، عقیده سیاسی و وضعیت اقتصادی یا اجتماعی را به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر تلقی می‌کند. بنابراین مقدمه اساسنامه سلامت را نه‌تنها فقدان ضعف و بیماری، بلکه تندرستی کامل جسمی، روانی و اجتماعی تعریف کرده است (۱۴). اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز سلامت را به عنوان بخشی از حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی شناسایی کرده است (۱۵). میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در ماده ۱۲ خود به این موضوع تأکید کرده است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در تفسیر شماره ۱۴ خود، حق بر سلامت را حقی جامع می‌داند که به دسترسی به موقع و مکفی به خدمات و مراقبت‌های بهداشتی درمانی همچون دسترسی به بهداشت، آب سالم، غذای سالم، تغذیه و مسکن مناسب، شرایط شغلی و محیطی مناسب تأکید می‌کند، ضمن آنکه حق بر سلامت را از حقوق بنیادین بشر برمی‌شمرد که برای تحقق سایر حقوق بشر اهمیتی حیاتی داشته و رابطه بسیار نزدیک با حقوقی همانند حق بر محیط زیست سالم، حق بر غذا، مسکن مناسب، آموزش، عدم تبعیض، منع شکنجه، حریم خصوصی و دسترسی به اطلاعات آزادی اجتماعات دارد. از همین رو کمیته برای حق بر سلامت یک ارتباط دوسویه در نظر گرفته است، بدین‌صورت که از یکسو حق بر سلامت حقی است که مربوط به آزادی شخص است که شخص بر بدن و سلامت فردی خود کنترل داشته باشد، به گونه‌ای که از شکنجه و به طور کلی از آزمایش‌ها و درمان‌هایی که بیمار بدان رضایت ندارد، رها شود. از سوی دیگر، طرف دیگر این حق، دولت است که برای رسیدن شخص به بالاترین سطح سلامت فرصت‌های برابر در اختیار افراد قرار می‌دهد (۱۶). حق بر سلامت مطابق اساسنامه سازمان بهداشت جهانی و همچنین کمیساریای عالی حقوق بشر دارای عناصری مانند حق دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، حق برخورداری، رهایی از رفتار تحقیرآمیز و بدون رضایت و همچنین تعیین کننده‌های اجتماعی سلامت است که برای دولت‌ها تکالیفی را

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

ایجاد می‌نماید. از آنجایی که، دسترسی به کالاها، خدمات و مؤسسات خدمات بهداشت و درمان باید برای همه فارغ از هرگونه تبعیض وجود داشته باشد، به ویژه برای همه گروه‌ها و اقشار آسیب‌پذیر باید به لحاظ فیزیکی و مالی قابل دسترس باشد. بنابراین برای دستیابی به حق بر سلامتی که مد نظر اساسنامه سازمان بهداشت جهانی و همچنین میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، دولت‌ها باید تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به اجرا را رعایت نمایند. به عبارت بهتر، جنبه سلبی تعهد دولت به احترام، آن است که دولت از مداخله مستقیم و غیر مستقیم منفی در حق بر سلامت خودداری کند. به همین ترتیب در ارتباط با جنبه ایجابی تعهد دولت به حمایت و اجرا نیز دولت باید از حق بر سلامت اشخاص حمایت کند. حال هرچند حق بر سلامت جنبه درون مرزی دارد (۱۷)، اما در عمل کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعهدات فراسرزمینی دولت‌ها در اجرای میثاق را بدون آنکه به طور مفهومی و سیستماتیک تبیین نماید، مورد شناسایی قرار داده است، بدین‌نحو که مطابق تعهد سلبی دولت‌ها، دولت‌ها از هرگونه اقدامی که مستقیماً یا غیر مستقیم مانع بهره‌مندی اشخاص خارج از سرزمینشان از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصرح در میثاق است، جلوگیری نمایند (۱۸). بر همین مبنا کمیته در تفسیر شماره ۱۴، فرامرزی‌بودن حق بر سلامت را اینطور نشان می‌دهد که: «دولت‌ها باید بهره‌مندی از حق بر سلامت در کشورهای دیگر را محترم شمارند.» در واقع کمیته با در نظرگرفتن این که، امکان دارد برخی از بلایای طبیعی و غیر طبیعی آثار فرامرزی داشته باشند و به آن سوی مرزهای یک کشور تسری یابند، مسئولیت مشترک و فردی را برای دولت‌ها در چنین مواقع اضطراری مد نظر قرار داده است. در چنین حالتی جامعه بین‌المللی، به ویژه کشورهای توسعه‌یافته در حل این مسائل مسئولیت جمعی پیدا می‌کند، چراکه دولت‌های توسعه‌یافته منفعت و همچنین مسئولیت بیشتری در برابر دولت‌های در حال توسعه خواهند داشت. به همین ترتیب، موضع کمیته در مورد تحریم‌ها نیز سخت‌گیرانه است، به گونه‌ای که دولت‌ها نباید از تحریم‌ها به عنوان یک ابزار فشار سیاسی و اقتصادی استفاده نمایند و اقلام ضروری مانند داروها، تجهیزات و کالاهای پزشکی را محدود کنند (۱۹) کمیته همین ادبیات را در مورد حق بر غذا دارد. آن‌گونه که صراحتاً بیان می‌نماید، این حق نباید شامل تحریم‌ها شود و در وضعیت اضطراری نیز باید همچنان ادامه پیدا کند (۲۰).

۲. تأثیر شاخص‌های حکمرانی مطلوب بر حقوق بین‌الملل سلامت در بلایا: بلایای طبیعی از جمله زلزله، سیل، طوفان، گردباد، سونامی، تغییرات آب و هوایی، خشکسالی و... به مجموعه‌ای از حوادث زیانبار گفته می‌شود که منشأ انسانی ندارند، البته برخی از بلایا منشأ انسانی دارند که تحت عنوان بلایای ساخت دست بشر نامیده می‌شوند، ناشی از عملکردهای نادرست، جستجوگری‌ها و پیشروی انسان هستند که برخی از این فعالیت‌ها و کنجکاوی‌ها منجر به خسارت‌های جبران‌ناپذیری خواهد شد، مانند بلایای ناشی از افزایش آلودگی هوا و گرم‌شدن زمین، سیل‌هایی که ناشی از تخریب جنگل هستند و بیماری‌های همه‌گیری مانند ویروس کرونا، ابولا، ایدز و... . روی هم رفته بلایای طبیعی، غیر منتظره‌ترین و پرآسیب‌ترین حوادث محسوب می‌شوند که با وجود پیشرفت علم و فناوری، هر ساله هزاران انسان در اثر این فجایع جان خود را از دست می‌دهند و آثار مخرب مادی و معنوی حتی بعد از وقوع فاجعه را برای انسان‌ها به همراه دارد (۲۱). دو زلزله فجیع رودبار در سال ۱۳۶۹ و زلزله بم به سال ۱۳۸۲ در ایران، طوفان سهمگین برمه (میانمار) در سال ۲۰۰۸ و کشته‌شدن بیش از ۷۸ هزار انسان و ناپدیدشدن ۵۶ هزار نفر در این کشور فقیر آسیایی، زلزله‌های مهیب هائیتی شیلی در سال ۲۰۱۰، سونامی بزرگ ۲۰۱۱ ژاپن، زلزله نپال در سال ۲۰۱۵ و سیل اخیر در پاکستان که جان هزاران نفر را گرفته است، از مواردی است که هر ساله کشورها با آن مواجه می‌شوند. گاهی اوقات شدت و بزرگی این بلایا به حدی است که حتی در کشوری مانند ژاپن با آمادگی بالا نیز علاوه بر خسارت‌های مالی، خسارت‌های جانی فراوانی برای آن کشور داشته است. بعد از وقوع هر فاجعه طبیعی است که میزان آمادگی دولت متأثر در مقابله با چنین فجایعی مطرح می‌گردد (۲۲). به عبارتی آنچه که در

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

این بحث اهمیت دارد و مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت، واکنش به موقع دولت‌های درگیر است در حمایت حداکثری از اشخاص آسیب‌دیده از بلایا. در این صورت چگونگی پیوند میان حکمرانی مطلوب و وقوع بلایا در این بخش از بحث مورد توجه قرار گرفته است.

حمایت بین‌المللی از حقوق بشر به طور جدی از زمانی آغاز شد که دو جنگ جهانی اول و دوم مصیبت‌های فراوانی را به بشر وارد کرد. از این جهت جهان‌شمولی حقوق بشر موجب شد تا در شرایط غیر از صلح و همچنین در وضعیت‌های اضطراری نیز اولین مسأله‌ای که بدان توجه شود، حمایت از اشخاص آسیب‌دیده‌ای باشد که یا در جنگ یا به خاطر بلایا دچار مصیبت شدند. بنابراین حمایت از اشخاص زمانی معنا پیدا می‌کند که همراه با حکمرانی مطلوب باشد و بالعکس، پس در زمان وقوع بلایا مهم است که چگونه از طریق حکمرانی مطلوب به حقوق بشر رسید؟. در چنین وضعیت‌های بحرانیست که می‌توان آثار حکمرانی مطلوب را مشاهده کرد و هدف از طرح حکمرانی مطلوب در زمان وقوع بلایا که حمایت از اشخاص آسیب‌دیده است را مورد ارزیابی قرار داد، چون اشخاص در این زمان بیشتر به توجه و حمایت نیاز دارند. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که در قالب حمایت از اشخاص در زمان وقوع بلایا، حکمرانی مطلوب را نیز مطرح کرده است، طرح ۲۰۱۶ مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل است. از شاخص‌های مهم حکمرانی مطلوب همانطور که مورد اشاره قرار گرفت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، کارآمدی دولت و... است. این شاخص‌ها با آنچه که در طرح ۲۰۱۶ برای حمایت از اشخاص آسیب‌دیده در نظر گرفته شده است، مطابقت دارد که در ادامه بحث این نظریه بیشتر مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۲-۱. شاخص مشارکت: ویژگی یک حکمرانی مطلوب از بعد داخلی با توجه به شاخص مشارکت این است که مردم بیشتر در امور عمومی مشارکت داشته باشند، به خصوص در مورد حکومت‌هایی که مردم‌سالار هستند، هدف از مشارکت مردم مبادله اطلاعات و مشروعیت‌بخشیدن به خط مشی‌هاست. این مشارکت مستلزم ایجاد تشکل و سازماندهی است. از جهت بین‌المللی نیز این مشارکت گسترده‌تر خواهد شد و به شکل همکاری و همبستگی میان کشورها، اشخاص و سایر بازیگران درمی‌آید. در واقع از لحاظ بین‌المللی و اسناد بین‌المللی نظیر منشور ملل متحد، همکاری بین‌المللی به نوعی از اهداف اصلی ملل متحد به حساب می‌آید. در بیشتر مواد منشور، از جمله بند ۳ ماده ۱ منشور ملل متحد و به طور خاص فصل نهم منشور برای حل مسائل بین‌المللی گوناگون همکاری بین‌المللی را به عنوان یکی از اهداف اصلی ملل متحد اعلام کرده است. ویژگی اصلی چنین همکاری بین‌المللی تعهد دولت‌ها به همکاری با یکدیگر است. اصولاً مفهوم همکاری بر «مسئولیت مشترک» رشد و نمو یافته است. بنابراین وظیفه همکاری به معنای الزام به انجام اقدامات هماهنگ برای دستیابی به هدفی است که منشور مد نظر دارد (۲۳). تعهد به همکاری که از اصطلاح همزیستی مسالمت‌آمیز در حال گذر است و با این ویژگی که تعهد کشورها به همکاری با یکدیگر است، توصیف می‌شود دیگر در حد یک مفهوم اخلاقی صرف نیست. در واقع تعهد لازم‌الاجرا و عام‌الشمولی است که اگر خلاف آن انجام شود قطعاً با واکنش سایر دولت‌ها و تابعان حقوق بین‌الملل مواجه خواهد شد، چون مفهوم همکاری به قدری تکامل یافته و نهادینه شده است که دیگر غیر از چنین رفتاری از دولت‌ها در زمانی که یک دولت دچار مصیبت شده است، انتظار نمی‌رود.

این نوع همکاری که از رنج انسان‌هایی نشأت گرفته است که در زمان وقوع بلایا با آن رو به رو شدند و مأموریت کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز آن بوده است که آیینه تمام‌نمای این رنج تاریخی باشد. بنابراین مقتضای یک حکمرانی مطلوب آن است که با وجود موانع و چالش‌های فراوانی که وجود دارد، اما به این موضوع به عنوان یک تعهد معاهده‌ای یا فرامعاهده‌ای نگاه کند تا بیش از این دچار مصائب غیر قابل پیش‌بینی‌ای نشود. همانطور که کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ برای تصویب یک سند بین‌المللی گزارش‌های متعددی را تهیه کرد که نشان دهد دولت‌ها در وضعیت‌های اضطراری

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مانند بلایا چگونه باید اقدام و همکاری کنند. همچنین برای توسعه و نهادینه‌کردن همکاری در میان جوامع تلاش‌های زیادی کرد که نهایتاً منجر به تصویب پیش‌نویس حمایت از اشخاص در زمان وقوع بلایا (Draft Articles on the Protection of Persons in the Event of Disasters) ۲۰۱۶ شد (۲۴).

پیش‌نویس مواد ۲۰۱۶ تا حدی حقوق بین‌الملل عرفی را نشان می‌دهد، هرچند کمیسیون تصمیم گرفت صرفاً به مجمع عمومی برای تدوین کنوانسیونی در رابطه با حمایت از اشخاص در زمان وقوع بلایا توصیه کند، اما می‌توان ادعا کرد که رویکرد کمیسیون درمورد پیش‌نویس مذکور منعکس‌کننده قوانین بین‌المللی است (۲۵). از همین رو، پیش‌نویس مواد کمیسیون، مجموعه‌ای کامل از تعهدات حقوقی که رفتار کشورها و سایر ذی‌نفعان بین‌المللی را در زمان فاجعه هدایت می‌کند، ارائه می‌دهد. به همین دلیل مقدمه پیش‌نویس، «ارزش اساسی همبستگی و همکاری بین‌المللی» را بیان می‌نماید و آن‌ها را به عنوان مفاهیم کلیدی زیربنای پیش‌نویس توصیف می‌کند. از آنجایی که ماده ۷ پیش‌نویس وظیفه همکاری را مشخص می‌کند، حقوق و وظایف هم‌تراز دولت آسیب‌دیده و کشور کمک‌کننده برای حمایت از اشخاص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (۲۶). طبق ماده ۷، کشورها باید همکاری میان خود با ملل متحد و سایر بازیگران کمک‌کننده را افزایش دهند. برای افزایش همکاری‌ها و تسهیل کمک فوری، ماده ۱۵ و ۱۶ پیش‌نویس در این ارتباط تدابیری از جمله تمدید مصونیت‌ها، کاهش الزامات مربوط به ویزا، قوانین گمرکی و مالیاتی، حفاظت از پرسنل امدادی و تجهیزات آن‌ها را اتخاذ کرده است، البته ماده ۷، ماهیت تعهد به همکاری را منوط به موضوع همکاری و زمینه کمک و امدادرسانی، متفاوت تلقی می‌کند. به همین دلیل ماده ۸ پیش‌نویس اشکال همکاری را که به طور مشابه در بند ۴ ماده ۱۷ حقوق سفره‌های (آب) فرامرزی و اعلامیه آسه‌آن، هم تشریح شده، مشخص می‌کند. از نظر کمیسیون، کمک‌های بشردوستانه و اقدامات امدادی اهمیت برجسته‌ای دارند (۲۷). بنابراین باید به گونه‌ای وسیع باشند که بیشترین اقدامات حتی هماهنگی پیشتیبانی و لجستیکی، نظارت و تسهیل فعالیت‌ها در بلایا را دربر بگیرد (۲۸). این موضوع ماهیت متقابل همکاری به هر شکلی که باشد را نشان می‌دهد، اینکه همکاری یک فعل یک‌جانبه نیست، بلکه رفتار مشترک چندجانبه است، البته همانطور که حاکمیت کشورها و اصل عدم مداخله توسط کمیسیون نادیده نگرفته شده است، کشورها تعهد مبنی بر احترام و حمایت از حقوق بشر را که متضمن تعهد ایجابی آن‌هاست، بر عهده دارند که در آرای محاکم بین‌المللی به ویژه دادگاه حقوق بشر اروپایی در دو پرونده علیه ترکیه (Öneryildiz v. Turkey [GC], no.48939/99, ECHR 2004-XII.) و روسیه (Budayeva and Others v. Russia, nos.15339/02, 21166/02, 20058/02, 11673/02 and 15343/02, ECHR 2008-II) به تکلیف دولت در اتخاذ اقدامات پیشگیرانه تأکید شده است (۲۹).

۲-۲. شاخص پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری: شاخص پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در یک دولت شرط اصلی حکمرانی مطلوب است که نه‌تنها نهادهای حکومتی، بلکه حتی بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی نیز بایستی به عموم مردم و ذی‌نفع‌های خود پاسخگو باشند. همان‌گونه که در بند ۱ ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی هم به این موضوع اشاره شده است که دوات و حکومت باید از خانواده که عنصر اساسی و طبیعی جامعه هستند، حمایت کند. در ماده ۲۸ میثاق نیز به عنوان ضمانت اجرا و نظارت بر تمامی مواد میثاق، کمیته‌ای در نظر گرفته شده است که از یکسو به نوعی پاسخگو و تضمین‌کننده حقوق افراد است در برابر دولت‌ها و از سوی دیگر نیز در برابر افکار عمومی جهان پاسخگوست (۶).

حال در زمانی که یک کشور دچار فاجعه‌ای سهمگین و فرامرزی شده باشد، به گونه‌ای که بر کشورهای همجوار خود تأثیر بگذارد، در این صورت، حکمرانی مطلوب ایجاب می‌کند که دولت متأثر آنچه که مربوط به این بلیه می‌شود را به سایر دولت‌های درگیر اطلاع دهد. همانطور که پیش‌نویس ۲۰۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز به این مسأله ترتیب اثر داده است، بدین‌نحو که برای جلوگیری از آسیب بیشتر و کاهش خطر مطابق بند ۱۸ پاراگراف ۲ ماده ۹ پیش‌نویس ۲۰۱۶

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

حمایت از اشخاص در زمان وقوع بلایا، دولت‌ها موظفند خطر را ارزیابی کنند و اطلاعات مربوط به را گردآوری و منتشر کنند (۳۰). حقوق بین‌الملل در مورد بلایا به ویژه شیوع بیماری‌هایی که غیر قابل پیش‌بینی هستند یک چهارچوب قانونی جامع را ارائه می‌دهد که دولت‌ها را ملزم به جلوگیری از پیامدهای مضر آن می‌کند، به موارد اضطراری بهداشتی به طور مؤثر پاسخ دهند و برای دستیابی به این اهداف همکاری کنند، هرچند تعهدات دقیق و پیوسته کشورها ذاتاً در تأمین شرایط مختلف انعطاف‌پذیر هستند، اما برای کشورها لازم‌الاجرا است. به عبارت بهتر کشورها موظفند طبق استاندارد «حکمرانی خوب» عمل کنند. بدین‌معنا که از یک کشور انتظار می‌رود که هنگام مواجهه با آسیب یا خطر به طور منطقی اقدامات لازم را انجام دهد، علاوه بر این یک کشور باید تمام تلاش خود برای تحقق اهداف مشترک را به کار گیرد. به عنوان مثال، بیماری‌های همه‌گیری مانند سارس، ابولا، ایدز، آنفولانزا و مورد اخیری که بیش از دو سال جهان را درگیر کرد، شیوع بیماری ویروس کرونا بود. این همه‌گیری‌های مرگبار بخشی از تاریخ بشر بوده و هست که جان میلیون‌ها انسان را در هر دوره‌ای از این تاریخ گرفته و منجر به فروپاشی سیستم‌های بهداشتی و اقتصادی در سراسر جهان شده است. بنابراین دولت‌ها کاملاً از چنین خطری غافل نبوده‌اند. به همین ترتیب، قوانین متعدد بین‌المللی به طور مستقیم یا غیر مستقیم پیشگیری بیماری‌های همه‌گیر و پاسخ به آن‌ها را مطرح می‌کنند. برخی از این قوانین مانند پیش‌نویس مذکور، خواستار اقدامات منسجم در سطح بین‌المللی هستند (۳۱).

اینکه دولت‌ها باید تا آنجایی که می‌توانند از وقوع بلایا پیشگیری کنند، غیر قابل انکار است، اما وقوع این حوادث هم اجتناب‌ناپذیر است و باید در زمانی که بلایا رخ می‌دهند، حوادث را مدیریت کنند تا خسارات کمتر شود، درد و آلام مردم هرچه سریع‌تر برطرف گردند، اما این تعهد از نوع تعهد به وسیله است نه تعهد به نتیجه، چراکه امکان دارد جبران خسارات برای کشورها امکان‌پذیر نباشد (۳۲). به همین دلیل کشورها هنگام انتخاب اقدامات مناسب، اختیار گسترده‌ای دارند، زیرا دامنه اقدامات مجاز به عواملی از جمله قریب‌الوقوع بودن و نوع آسیب، دانش علمی موجود و رعایت سایر تعهدات بین‌المللی بستگی دارد (۳۳). پس این همان حکمرانی مطلوب است که، در بند ۱ ماده ۹ پیش‌نویس ۲۰۱۶، تحت عنوان «اقدامات مقتضی» از آن بیان می‌شود. این اقدامات که تعهدی اساسی جهت کاهش خطر بروز بلایا است ناشی از تعدادی قطعنامه‌های مجمع عمومی و نشست‌های بین‌المللی است که پیشگیری و کاهش خطر بلایای طبیعی را یک تعهد قانونی می‌داند که کشورها را ملزم به ارزیابی مخاطرات، ایجاد سیستم‌های هشدار زودهنگام و حق دسترسی به اطلاعات می‌کند. بیانیه سندای نیز هدف از پیشگیری از فاجعه و کاهش خطر را حفظ حق حیات، سلامتی و هر آنچه که مربوط به ادامه زندگی بعد از وقوع فاجعه است، مطرح می‌نماید. قطعاً چنین امری باید از طریق اقدامات یکپارچه و فراگیر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، بهداشتی، زیست‌محیطی و آموزشی هم به صورت بین‌المللی و هم به صورت منطقه‌ای از طریق همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه انجام شود (۳۴).

۲-۳. شاخص حاکمیت قانون: پیوند میان قانون و حکومت یک پیوند ناگسستنی است. ضرورت وجود قانون از آنجایی نشأت می‌گیرد که انسان پا به حیات مادی و اجتماعی می‌گذارد و در این صورت گرفتار چالش‌ها، بلایا و کشمکش‌هایی خواهد شد. برخی از آن‌ها ناشی از ذهن جستجوگر انسان است و برخی دیگر ناشی از طبیعت است که انسان در آن دخالتی ندارد، اما باید راه چاره‌ای برای رفع آن بیندیشد. در این حالت، اگر کسی یا دستگاهی نباشد که این معضل‌ها و چالش‌ها را برطرف کند و منازعات را حل و فصل کند، جامعه دچار هرج و مرج و بی‌نظمی خواهد شد. نقطه عطف این مسأله حکومت و قانون است که توانایی برقراری نظم و امنیت را دارند. واقعیت این است که قانون همواره حکومت را برای ایجاد نظم ترغیب می‌کند. غایت اساسی مقنن در حکومت قانون باید تأمین ثبات و دوام قوانین باشد جامعه را به نحوی از فساد مداوا و معالجه نماید. قانون به ضمانت اجرا نیز نیاز دارد، آن‌گونه که هم برای افراد یک جامعه و هم خود دولت لازم‌الاجرا باشد. حکومت

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

قانون در ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفته است. اینکه همه در پیشگاه قانون یکسانند و حق دارند بدون هیچ‌گونه تبعیضی از پشتیبانی یکسان قانون برخوردار باشند (۶). در بند ۱ ماده ۹ طرح ۲۰۱۶ حمایت از اشخاص در زمان وقوع بلایا نیز، به این مسأله اشاره شده است که «هر کشور مکلف است با اتخاذ اقدامات مناسب از جمله وضع قوانین و مقررات، خطر بروز بلایا را کاهش دهد تا از این طریق، از بروز بلایا جلوگیری نماید، آن را کاهش دهد و برای مقابله با آن آماده گردد.» بر اساس این مقرره، از سال ۲۰۱۶ تاکنون، هر کشور و منطقه‌ای سیاست‌های مشخصی در زمینه کاهش خطر بلایا مقرر نموده است. به عبارتی تعدادی از کشورها قوانین خاصی را برای مدیریت خطر بلایای طبیعی یا به شکل مقررات مستقل یا به عنوان بخشی از یک نظام گسترده حقوقی در مدیریت و مقابله با خطر فاجعه تصویب کردند. همچنین نکته دیگری که باید در این ماده به آن توجه کرد، این است که کمیسیون تصمیم داشته در ابتدا هر کشور برای کاهش خطر بلایا باید در سطح داخلی اقداماتی را انجام دهد و اقداماتی هم که نیاز به تعامل میان دولت‌ها و سایر عاملان کمک‌کننده دارند، در ماده ۷ تحت عنوان «تعهد به همکاری» مطرح شده است. به عبارت دقیق‌تر، کمیسیون با توجه به اصل برابری حاکمیت‌ها که در بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد بیان شده است، به نحوی این ماده را ذکر کرده است که بر اساس تفاوت ظرفیت‌ها و امکانات هر کشوری، در عین حال مسئولیت مشترک آن‌ها هم قابل طرح باشد (۲۳)، حتی کمیسیون با ذکر عبارت «وضع قوانین و مقررات» خواسته به این موضوع تأکید داشته باشد که در صورت عدم اجرای این اقدامات، باید مکانیزمی جهت اجرا و پاسخگویی در نظام داخلی هر کشوری وجود داشته باشد (۲۳)، البته قابل ذکر است که یک کشور باید حداقل زیرساخت دولتی را داشته باشد تا از آسیب‌ها جلوگیری کند یا آن‌ها را متوقف کند یا جبران نماید. در واقع یک کشور نمی‌تواند به بهانه کمبود ظرفیت از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند (۲۴).

علاوه بر مقررات داخلی که وجوب حاکمیت قانون در یک کشور را نشان می‌دهند، یک طیف وسیعی از تعهدات را می‌توان در اکثر تعهدات معاهده‌ای و عرفی حقوق بین‌الملل یافت که رفتاری را به کشورها تحمیل می‌کنند (۲۷) و ملزم خواهند شد تا از آسیب‌های داخلی یا فرامرزی جلوگیری نمایند یا جبران خسارت کنند (۲۸). نمونه‌هایی از این معاهده‌ها عبارتند از: اقدام پکن جهت کاهش خطر بلایا در آسیا مصوب سال (۲۰۰۵ م.) (۳۵)؛ اعلامیه دهلی در مورد کاهش خطر بلایای طبیعی در آسیا مصوب سال (۲۰۰۷ م.) (۳۶)؛ اعلامیه کوالالامپور در مورد کاهش خطر بلایای طبیعی در آسیا مصوب سال (۲۰۰۸ م.) (۳۷). تمام این معاهده‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی، وظیفه دقیق و پیوسته کشورها را بیان می‌کنند و منعکس‌کننده استانداردهایی از حکمرانی مطلوب هستند (۳۸).

بحث

همانطور که گفته شد، بلایا آیینه تمام‌نمای به خطرافتادن جان و سلامت انسان‌ها هستند. آن‌گونه که در طرح ۲۰۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد حمایت از اشخاص در زمان وقوع بلایا نیز این مسأله مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین برای اینکه یک دولت عملکرد خوبی در زمان وقوع بلایا داشته باشد، موظف است یکسری از اصول و قواعد را رعایت نماید تا از حقوق اشخاص آسیب‌دیده به ویژه حق بر سلامت در حاکمیت سرزمینی خود حمایت نماید.

نتیجه‌گیری

با توجه به گسترش روز به روز فجایع طبیعی و البته کنکاشگری‌های انسان که اغلب موجب پیچیده‌ترشدن اوضاع می‌شود و در پی آن، خسارت‌های مالی و جانی جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت، حمایت از حق بر سلامت در قالب شاخص‌های حکمرانی مطلوب در چنین زمانی قطعاً مفید و مؤثر خواهد بود. حوادث و رویدادهایی که ممکن است گریبانگیر هر دولتی گردد، شرایطی را برای دولت‌ها فراهم می‌کند که در کنار حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت سرزمینی خود، شک و تردیدهای خود را کنار بگذارند و راه را برای

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

دولت‌ها و سایر نهادهای کمک‌رسان بگشاید تا بتوانند انسان‌های بیشتری را نجات دهند، در نتیجه کمیسیون حقوق بین‌الملل با در دستور کار قراردادن وضعیت دولت‌ها در زمان بحرانی، کاری ضروری انجام داده است. حال به هر روی هر کدام از واژگان حکمرانی را که در نظر بگیریم، چه حکمرانی خوب و چه حکمرانی مطلوب، مراد از این مطلب آن است که از حکمرانی، حاکمیت و حکمروایی مطلق به جهانی روی بیاوریم که هدفش حمایت از انسان‌ها و سلامت آن‌ها می‌باشد. در واقع آنچه که به آن می‌گوییم کرامت ذاتی بشر، محقق نخواهد شد، مگر با در نظرگرفتن حکمرانی مطلوب. این مسأله زمانی خودش را نشان می‌دهد که یک دولت دچار بحران یا فاجعه‌ای شده باشد و چه این فاجعه درون‌مرزی باشد و چه فرامرزی در این صورت اگر حکمرانی در قالب یک حکمرانی خوب و مطلوب قرار گرفته باشد و تبدیل به یک قاعده آمره‌ای شده باشد، آن موقع حمایت از بشر در زمان‌های بحرانی مانند وقوع بلایا امکان‌پذیر خواهد بود. می‌توان اینطور بیان نمود که اگر دولت‌ها، پایه و اساس حاکمیت خود را بر مبنای همکاری گذارند، در نتیجه در زمان وقوع بلایا اقدامات مقتضی و متناسبی را می‌توانند اتخاذ کنند. همچنین نتیجه اقدامات مقتضی و حاکمیت سرزمینی دولت‌ها، حکمرانی مطلوبی است که مورد توجه حقوق بین‌الملل، به ویژه در زمان وقوع بلایا است.

در واقع با مطالعه تاریخ و اسناد بین‌المللی می‌توان متوجه این موضوع شد که، هرچه رو به جهان‌شمولی آوردیم، از حاکمیت محوربودن جهان کاسته شد و به انسان‌محوربودن آن اضافه شد. این مسأله با توجه به اهمیت جامعه جهانی به حقوق بشر اشخاص به ویژه حق بر سلامت آن‌هاست. در مقایسه با تعاریفی که در گذشته از حکمرانی مطلوب شده با زمان معاصر، می‌توان متوجه این تغییر و تحول شد. از جمله این اسناد، طرح ۲۰۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد حمایت از اشخاص در زمان وقوع بلایا است که محوریت مواد طرح مذکور، انسان، کرامت ذاتی بشر و حقوق بشردوستانه است در قالب حکمرانی مطلوب. کمیسیون با حفظ ارزش اصل مطرح‌شده در بند ۱ ماده ۲ منشور، که همان حاکمیت برابر دولت‌هاست و همچنین اصل حاکمیت سرزمینی، تلاش کرد تا حمایت از اشخاص را در زمان وقوع بلایا نهادینه کند. به عبارتی همه آنچه که به صورت مقررات داخلی یا معاهده‌های دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای بود به صورت گسترده‌تر و با مقررات جدیدتر در این طرح قرار گرفت که بیشتر کشورها نیز با آن موافقت کردند. بنابراین با وجود اصل حاکمیت سرزمینی و مستقل‌بودن هر کشوری در اتخاذ اقدامات متناسب در زمان وقوع بلایا، اما این طرح موجب شده فرآیند رسیدگی و حمایت از اشخاص با چهارچوب و مکانیزم مشخصی صورت گیرد. این که دولت‌ها به بهانه کمبود ظرفیت یا عدم وجود امکانات، در زمان بحران از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکنند یا خودسرانه کمک‌های بشردوستانه سایر عاملان کمک‌رسان را رد نکنند، از مواردی است که کمیسیون به شدت رد کرده است. از همین قرار است که اکنون می‌توان گفت حکمرانی مطلوب، یعنی همان همکاری میان دولت‌ها که یک تعهد حقوقی و لازم‌الاجرا است. همکاری‌ای که در طولانی مدت منجر به همبستگی نیز خواهد شد. حکمرانی مطلوب، یعنی همان اقدامات متناسب و مقتضی که با توجه به ظرفیت و امکانات هر دولت باید اتخاذ شود یا همان وضع مقررات داخلی، تلاش برای انعقاد معاهده‌های بین‌المللی و ایجاد عرف بین‌المللی است که منجر به توسعه و ترویج احترام به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه خواهد شد.

مشارکت نویسندگان

مهسا خواجه: ارائه ایده، نگارش مقاله، جمع‌آوری اطلاعات، گردآوری منابع.

مسعود راعی دهقی: راهنمایی مقاله.

علیرضا انصاری مهیاری: نظارت بر مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

References

1. Crawford J. The creation of states in international law. New York: Oxford University Press; 2006. p.46-70.

2. International Court of Justice (ICJ), Written Statement of Serbia. 2009. para.416. Available at: http://www.icj-cij.org/docket/files/141/15642.pdf.

3. Ebrahimgol A, Karimi S. Contrast between territorial integrity and human rights: Legal evaluation of remedial secession's theory. Iranian Research Letter of International Politics. 2015; 3(2): 1-27. [Persian]

4. Qalipour M. Natural Disasters and National Security. Tehran: National Security Watch Monthly, Institute of Strategic Studies, Ministry of Science, Research and Technology; 2018. p.84-85. [Persian]

5. Ahmadi SA, Zarei B, Pishgahi Fard Z, Abedi Darcheh M. A Comparative Comparison of Transcendent Governance in Islam and Good Governance in the West. Tehran: Second National Conference on Islamic Governance; 2019. p.1-22. [Persian]

6. Mousavi SZA, Aghaei Janat Makan H, Norozi NM. Influence of good governance in respect of human rights. Political Science Quarterly. 2017; 43(14): 193-217. [Persian]

7. Available at: Https://www.info.worldbank.org/ governance/wgi. 2021.

8. Bashiri A, Shaghaghi Shahri V. Good governance, corruption and economic growth (an economic approach to the category of good governance). Bi-Monthly Commercial Surveye. 2011; 9(48): 69-81. [Persian]

9. United development programme, annual report, good governance. 1997.

10. Hosseini Tash SA, Vasheq QA. Good governance and the presentation of governance worthy of examination and the indicators of these two from the point of view of Amir al-Mu'minin Ali. Journal of Islam and Management Research. 2013; 3(2): 7-28. [Persian]

11. The IOG is dedicated to improving public governance in Canada and around the world, what is governance? Available at: https://www.iog.ca/about-us/. Visited May 4, 2023.

12. Mihaela-Viorica R. Approaches to governance and management in the public policies of international organization. Irish Journal of education; 2015; 40(2): 68-81.

13. Katia P, Marianne H, Hijab N, Piron L. Good governance practices for the protection of human right. New York: Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights; 2007. p.1-94.

14. World health organization Constitution: Preamble.

15. The Universal Declaration of Human Rights. 1948. Article.25.

16. General Comment No.14; 2000.

17. Coomans F. The Extraterritorial Scope of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights in the Work of the United Nations Committee on Economic, Social and Cultural Rights. Human Rights Law Review. 2011; 20(7): 1-11.

18. International Covenant on Economic, Social and Cultural Right, ICESCR. 2017. para.29.

19. International Covenant on Economic, Social and Cultural Right, ICESCR. 2000. para.38-40.

20. International Covenant on Economic, Social and Cultural Right) ICESCR. 1999. para.37-38.

21. Badripour H, Jahdi R, Jafarian V. The process of setting up good governance of natural disasters. Tehran: 8th International Conference on Integrated Natural Disaster Management; 2015. p.1-12. [Persian]

22. Lasani SH. The Obligation of States for Acceptance and Sending Humanitarian Assistance During Natural Disasters. Public Law Studies Quarterly. 2018; 49(1): 231-248. [Persian]

23. Mirmohammadi M, Sadeghi J. Right to Solidarity and Iinternational Solidarity: Challenges Ahead and the Most Recent Changes. Public Law Research. 2014; 17(49): 108-132. [Persian]

24. General Assembly, Second report on the protection of persons in the event of disasters, by Mr.Eduardo Valencia-Ospina, Special Rapporteur; 2009. A/CN4/615. para.50.

25. International law commission, Report, Sixty-Sixth Session. 2014.

26. Dire T. The International Law Commission's Draft Articles on the Protection of Persons in the Event of Disasters: Codification, Progressive Development or Creation of Law from Thin Air?. Chinese Journal of International Law. 2017; 16(3): 425-451.

27. General Assembly, A/RES/63/124 of 11 December 2008, Yearbook … 2008, vol.II (Part Two), chap.IV, sect.E.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

28. Disaster Management and Emergency Response of the Assossiation South East Asian Nation (ASEAN Agreement). 1976.

29. Khajeh M, Raei M, Ansari Mahyari A. Obligation to International Cooperation in The Event of Disasters. Journal of Legal Research. 2023; 22(55): 49-80. [Persian]

30. Draft articles on the protection of persons in the event of disasters. 2016. GA/71/10.

31. Coco A, de Souza Dias T. Prevent, Respond, Cooperate States' Due Diligence Duties Vis à Vis the Covid-19 Pandemic. Journal of International Humanitarian Legal. 2020; 30(8): 1-13.

32. Draft articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities. 2001. Art.3(11).

33. Sendai Declaration in General Assembly resolution 69/283 of 3 June 2015, annex I. para.5-6.

34. Responsibilities and obligations of States with respect to activities in the Area (Advisory Opinion, 1 February 2011) ITLOS Reports 2011, 10[110]-[111], [117].

35. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v Serbia and Montenegro) (Merits) [2007] icjRep 43. [430].

36. Available at: Https://www.nidm.gov.in/amcdrr/beijing. Asian Conference on Disaster Risk Reduction in Asia; 2005. Visited June 4, 2023.

37. Available at: Https://www.nidm.gov.in/amcdrr/declaration.asp. Visited June 5, 2023.

38. Available at: Https://www.Preventionweb.net/files/3089. KL Declaration on Disaster Risk Reduction in Asia; 2008. Kuala Lumpur: Third Asian Ministerial Conference on Disaster Risk Reduction.

39. McDonald N. The Role of Due Diligence in International Law. International & Comparative Law Quarterly. 2019; 68(4): 1041-1051.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.